

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رنجبر شماره-۸۰

۲۶ دسمبر ۲۰۱۱

انباشت سرمایه از طریق جنگ

سلسله مقالات (پنجمین) از دین هندرسون، دوم نومبر ۲۰۱۱

(اسنادی از انحصارات نفتی و بانکداران عظیم آنها در خلیج فارس: چهارتا از عظیم ترین آنها، هشت خاندان عظیم و سازمان اطلاعاتی جهانی آنها، مواد مخدر و شبکه ترور وابسته به آنها).

در روز ۱۹ مارچ ۲۰۰۳، در ساعت ۹:۳۰ دقیقه بعد از ظهر به وقت شرق امریکا در سومین هفته ماه سوم، از سال سوم، هزاره جدید، مافیای نفتی محفل اشرافیت مدعی روشن گری (Illuminati)، تحت عنوان عملیات آزادی عراق (Operation Iraqi Freedom) به عراق حمله ور شد.

تجاوز توسط نیروهای امریکا و انگلیس صورت گرفت. اسرائیلی ها اطلاعات دقیق را هر لحظه در تمام طول جنگ در یافت می کردند. وقتی که پرزیدنت بوش در تلویزیونها ظاهر شد که این تجاوز را اعلام کند، در پشت او پرچم سیاه و سفیدی با عقابی که ۱۳ نیزه در چنگالش بود قرار داشت. که نمایان گر نیزه تقدیر هابزبرگ (Habsburg Spear of Destiny) بود. اسپانیا- که پادشاهش شاهزاده فلیپ از خاندان هابزبرگ است- به "انتلاف راغب" (Coalition of the Willing) برای تجاوز پیوست.

اولین هدف نیروهای مهاجم محاصره میدانهای نفتی رومیل (Rumaila) در جنوب این کشور بود. به زودی میدانهای نفتی کرکوک نیز واقع در شمال کشور تحت کنترل قرار گرفت. تمام صحبتیهائی که قبل از جنگ در مورد وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق جریان داشت هیچ کدام به حقیقت نپیوست. در ماه می سال ۲۰۰۳، گروهی از مقامات اطلاعاتی سابق، دولت بوش را متهم به اخبار اطلاعاتی دروغ در مورد سلاح های کشتار جمعی (WMD) کردند. ۹ نفر از اعضای طرح های ویژه پنتاگون به تحریف اطلاعات، به نام دسیسه و توطئه (Cabal) متهم شدند.

ناشی از تفکر صیهونیستی تحت معاونت وزیر دفاع، پال ولفوویتز (Paul Wolfowitz)، دسیسه و توطئه، سازمان "سیا" را جبرا وادار به ارائه اطلاعات ویرایش شده به بوش و کاخ سفید کرد. ۹ نفر از اعضایش از شاگردان لئو اشتراوس (Leo Strauss)، استاد دانشگاه شیکاگو، قسمت علوم سیاسی بودند، کسی که مشاور رساله (تز) پال

ولفوویتز بود و زمانی نوشت: "که آثار فیلسوفان باستانی عمدتاً حاوی معانی محرمانه پنهانی است که معنایشان تنها توسط مشتی چند می تواند درک شود.... که هشدار می دهد که احتمال این که زندگی سیاسی ارتباط نزدیکی با نیرنگ یا اغفال داشته باشد امکان پذیر است...."

تجاوز به عراق هیچ ربطی به صدام یا سلاح های کشتار جمعی (WMD) نداشت. به نظر یکی از مقامات عالی رتبه دولت بوش، "بعد از جنگ جهانی دوم از نظر ستراتیژیک ما فکر می کردیم که مناطق صنعتی کلیدی اروپاست که می بایست تحت کنترل غرب باشد... اگر شما به همان طریق شروع به فکر کردن در مورد خاورمیانه بکنید، عراق در صف مقدم قرار می گیرد، به دلیل این که محل پیوندهای ناگسستگی نفت، آموزش و پرورش و جغرافیاست." (۱)

مدیر ارشد آژانس امنیت ملی (National Security Agency) در دولت بوش و مسوول خاورمیانه و شمال افریقا، الیوت ابرامز (Eliliot Abrams) - کسی که قبلاً در زمان پرزیدنت ریگان در اقتضاح ایران/کانترا شرکت داشت - پیشنهادی را در دسمبر سال ۲۰۰۲ به تصویب رساند که خواستار کنترل نفت عراق توسط ایالات متحده امریکا پس از سقوط رژیم صدام بود. کیم هولمز (Kim Holms)، دستیار وزیر امور خارجه، پیشنهادی برای خصوصی سازی اقتصاد عراق، از جمله شرکت ملی نفت عراق را داد. تحقیقات نویسندگانی مثل آریل کوهن (Ariel Cohen) و جرال دُریسکول (Gerald O'Driscoll) به این نتیجه رسیدند، "... روند خصوصی سازی باید گسترده، منظم و شفاف از شرکتهای دولتی، به خصوص جهت تجدید ساختار و خصوصی سازی در بخش نفت باشد."

هم چنان که پال مایکل ویبی (Paul Michael Whibey) - که قبلاً با مؤسسه با نفوذ مخزن فکری اسرائیل برای تحقیقات پیشرفته بود - معتقد است، "پس از صدام ما باید مقدار بسیار قابل توجهی از حجم اضافی تولید نفت را در عراق مشاهده کنیم. ذخائر نفت عراق احتمالاً برابر یا فراتر از عربستان سعودیست". اعلامیه های پر آب و تابی در مورد این که این نفت موجود به مردم عراق منفعت می رساند تا اواسط اپریل به دست فراموشی سپرده شد و به عکس اعلام شد که بانک جهانی اداره نفت عراق را در طول مرحله بازسازی به عهده خواهد گرفت. بانکداران مطابق میل خودشان پول پرداخت خواهند کرد و شرکتهای قرارداد بسیار چرب و نرمی را از درآمد حاصل از نفت عراق به چنگ خواهند آورد. برنامه حذف صدام حسین در مقاله ای در سال ۱۹۹۶ توسط عضو انجمن دفاعی بوش، ریچارد پرل (Richard Perle) که از وابستگان نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو در آن زمان بود، طرح ریزی شد. این مقاله تحت عنوان دفاع از قلمرو نوشته شده بود. حتی زمان "تغییر رژیم" به جای تجاوز در مقاله پرل برای توجیه استفاده شده بود.

پرل (Perle) یک صهیونیست سرسختی بود که مجبور به استعفاء شد چون به علت تضاد منافع مربوط به نقش خود به عنوان عضو هیات مدیره مؤسسه ورشکسته گلوبال کراسینگ (Global Crossing) که قرار بود قراردادهای تازه در زمینه ارتباطات عراق را به چنگ آورد. او ریاست شرکت کانرآد بلاکس هالینجر (Conrad Black's Hollinger) را عهده دار بود و به عنوان مشاور بانک بین المللی گولدمن ساکس در مورد این که چگونه می توان از جنگ سود برد آنها را راهنمایی می کرد. (۲)

پرل (Perle)، یکی از ۱۳ نفر از اعضای هیأت سیاست دفاعی (Defense Policy Board) بود. ۹ نفر از این اعضاء وابسته به پیمانکاران نظامی بودند که مبلغ ۷۶ هزار میلیون دلار برای استفاده نامشروع جمعی پنتاگون در طول سالهای ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ دریافت کردند.

در تاریخ ۱۰ مارچ، ۲۰۱۰ – قبل از پرتاب اولین گلوله- آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا (US Agency for International Development) بی سرو صدا برنامه های کاربردی را برای بازسازی عراق پس از جنگ گذراند. تنها پنج شرکت درخواست نامه دریافت کردند: بکتل (Bechtel)، فلونور (Fluor)، هالیبرتون (Halliburton)، که متعلق به دیک چینی است- مترجم)، شرکت تابع کلوک بران روت (Kellogg Brown & Root)، گروه پارسونز و لوئیس بُرگر (Parsons & Louis Burger Group).

در اواسط ماه اپریل نیویورک تایمز گزارش داد که شرکت پیمانکاری بکتل (Bechtel)، بزرگترین شرکت ساختمانی دنیا- مترجم) به عنوان پیمانکار عمده برای بازسازی این منبع عایدی مهم، انتخاب شده است. رئیس شرکت بکتل، رایلی بکتل (Riley Bechtel) عضو شورای سیاست صادرات در دولت بوش بود. مدیر اجرایی بکتل، جک شینان (Jack Sheenan) عضو سیاست دفاعی بوش بود.

قرارداد اولیه ای که بکتل دریافت کرد ۸۶۰ میلیون دلار ارزش داشت. در طول این دوره از بازسازیهای عراق، بکتل بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای قراردادهای مختلف دریافت کرد. اولین پروژه آنها ترفیع یا بهبود بخشیدن به تنها بندر خلیج فارس به نام اُم قصر (Umm Qasar) بود، جایی که آنها چهار دلار در روز به کارگران عراقی مزد می دادند.

هالیبرتون (Halliburton) – گاو ۹ من شیر ده آن، معاون رئیس جمهور، دیک چینی (Dick Cheney) – قرارداد چربی را به چنگ آورد تا چاه های نفتی عراق را با سرعت هرچه تمام تر به مرحله بهره برداری برساند. در ماه می ۲۰۰۳، هنری واکسمن (Henry Waxman)، عضو کنگره امریکا کشف کرد که شرکت فرعی و تابع هالیبرتون ک بی آر (KBR)، حتی یک سال و نیم قبل از شروع جنگ، قراردادی به مبلغ ۴۲۵ میلیون دلار برای بازسازی عراق دریافت کرد. مجموع کل قراردادهایی که هالیبرتون برای بازسازی عراق حتی مدتها قبل از شروع کار دریافت کرده بود بالغ بر ۷ میلیارد دلار می شد.

درماه اکتبر ۲۰۰۳، سناتور جان دنجل (John Dengel)، دموکرات از ایالت میشیگان)، کشف نمود که هالیبرتون بنزین وارداتی از کویت به عراق را گیلن ۲ دلار و ۶۵ سنت به ارتش امریکا می فروشد. در حالی که، عراقی ها همان بنزین را از کویت به مبلغ یک دلار و دوازده سنت وارد می کنند.

در ۲۴ جنوری ۲۰۰۶، هالیبرتون قراردادی به مبلغ ۳۸۵ میلیون دلار از سازمان امنیت داخلی (The Homeland Security) برای ارائه "بازداشتگاه موقت و امکانات عملی" (Temporary Detention Center and Processing Facilities) در امریکا دریافت کرد. این قرارداد بر پایه عملیات نورثکام (Northcom) در سپتامبر ۲۰۰۵ واشنگتن دی سی صورت گرفت که راه را برای کنترل های داخلی توسط عملیات نظامی هموار می ساخت. (۳)

در سپتامبر ۲۰۰۶ گزارش داده شده که مدیران هالیبرتون مقدار مفصلی غذا برای جشن شکرگزاری (Thanksgiving feast) در بغداد تهیه کردند و مخارج آن را از مالیات دهندگان امریکائی دریافت کردند. طبق گزارشی در ۳۰ اکتوبر ۲۰۰۳ توسط مرکز اعتماد عمومی (Center for Public Integrity, CPI) اکثر ۷۰ شرکت و افرادی که بیش از ۸۰ میلیارد دلار قرار داد برای بازسازی عراق و افغانستان دریافت کردند، به انتخابات ریاست جمهوری بوش در سال ۲۰۰۲ پول اهداء کردند. ۶۳ درصد از این شرکتها عضو هیأت مدیره در دولتهای قبلی داشتند. همان طوری که عضو هیأت مدیره CPI، اعلام کرد، "بوی تعفن حمایت سیاسی و رفیق بازی در اطراف قراردادهای عراق و افغانستان حس می شود."

مقاله ای در www.commondreams.org ادعا کرده است که دو پایگاه مستقر امریکا در عراق با نام های کمپ اکسان (Exxon) و کمپ (Shell) نام گزاری شدند. بعد از این که اعلام شد که رویال داچ شل (Royal Dutch/Shell) و بی پی امکو (BP Amoco) به فلوئور (Fluor) برای نظارت "تنظیم مجدد" صنعت نفت عراق به هم ملحق می گردند، اکسان موبیل (Exxon Mobil) می بایست عبوس و دلخور شده باشد.

مدیر عامل شرکت کارگیل (Cargill)، دآن آنستولز (Dan Anstulz) برای سرپرستی در خصوصی سازی بخش کشاورزی عراق دعوت شد. نظارت تمام این منابع به چنگ پال برمر (Paul Bremer) افتاد، کسی که تا سال ۱۹۸۹ برای کسینجر و شرکایش کار می کرد. در روز ۶ جون ۲۰۰۳، فاینانشال تایمز (Financial Times) گزارش داد که نفت عراق به بازار بین المللی باز خواهد گشت و یک بار دیگر با دلار امریکائی به فروش خواهد رسید و این عمل به تصمیم عراق برای فروش نفت به یورو در سال ۲۰۰۰ پایان خواهد بخشید.

در ۱۶ اپریل ۲۰۰۳، در تلویزیون آلمان در لبنان گزارش داده شد که در حالی که باند های مختلف منابع دولتی، ساختمان های دولتی را غارت می کردند، نیرو های امریکائی در عوض سریعاً وزارت نفت عراق را درست در دقایقی پس از اشغال بغداد، ۲۴ ساعته، تحت کنترل خود قرار دادند.

شیاعت مداوم در این شهر است که ایالات متحده امریکا غارت را در این کشور سازماندهی کرد که جدی ترین این رخداد، موزه ملی، بعضی از قدیمی ترین آثار مکشوفه مربوط به موجودیت انسان بر روی کره زمین، از جمله گهواره ابراهیم، لوحه های سومری و دیگر عتیقه های باستانی به طور حجیم صحبت از ریشه های خدایان و پادشاهان انوناکي سانگریل (Annunaki Sangreal god/kings) می کند و اینها در حال حاضر آماده اند که دوباره انحصار نفت جهان را به دست آورند.

در جنوری ۲۰۰۶ با افزایش قیمت بنزین در امریکا به ۳ دلار در هر گیلن، وال استریت ژورنال گزارش داد، اکسان موبیل رکورد سود سالیانه را در سال ۲۰۰۵ شکست. در سال ۲۰۰۶، چهارتا از عظیم ترین شرکتهای نفتی به طور مشابه نتایج ظالمانه ای را نیز گزارش دادند.

از طریق حمله به عراق، این هشت خاندان عظیم کنترل خود را هر چه بیشتر بر بانکهای مرکزی جهان تثبیت کردند.

در روز ۱۱ اکتوبر ۲۰۰۳، بوش در صحبتی در رادیوئی ملی، با اعلام جاه طلبی های پر آب و تابش، اظهار داشت، "دینار جدید عراق جای گزین دینار قبلی کشور خواهد شد... و در این منطقه باستانی، بانکداری مدرنی را تأسیس کرده است."

در ماه نومبر ۲۰۰۳، جیمز بیکر (James Baker) از کارلایل گروپ پارتنر (Carlyle Group Partner)، توسط پرزیدنت بوش انتخاب شد تا بدهی های عراق را ببخشد. چه راحت و بی دغدغه، از آنجا که هم اکنون این بدهی ها در حال حاضر در کتابهایی ثبت شده که تحت کنترل هشت خاندان جدیدند که از صاحبان بانک مرکزی و خصوصی عراق می باشند.

از سال ۲۰۰۶ به این طرف، مافیای نفتی روشنگری (Illuminati Oil Mafia) هدفشان به سمت ایران نشانه رفته است، یعنی پل ستراتیژیکی دائم بین المللی خلیج فارس و دریای خزر. رئیس جمهور آتشی مزاج ایران، محمود احمدی نژاد، از هوگو چاوز استفاده کرد و پرزیدنت بوش را به نبرد برای منازعه فراخواند. او بار ها و بارها اسرائیل را مورد انتقاد قرار داد و ادعا کرد که ایران حق توسعه انرژی هسته ای را دارد. بد تر از آن برای

آلیگاری جهانی، او اعلام کرد که قصد دارد بورس نفت را در تهران به راه بیندازد که نفت را به یورو بفروشد.

در ماه جنوری ۲۰۰۶، اسرائیل به لبنان حمله ور شد و آنجا را بمب باران کرد، و سوریه و ایران را متهم نمود که به حزب الله لبنان کمک کردند. ایران شروع به مانور نظامی کرد، هم چنین روسیه، چین و سایر کشورهای عضو شورای همکاری شانگهای (Shanghai Cooperation Council) دست به مانور نظامی زدند. ایالات متحده آمریکا ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد و تا ۳۱ اگست به ایران مهلت دادند تا غنی سازی اورنیوم را متوقف سازد. در سپتامبر ۲۰۰۶، هر دو احمدی نژاد و چاوز به امپریالیسم آمریکا در سازمان ملل لعنت فرستادند. چاوز به بوش عنوان "شیطان" را داد. روز بعد او پیشنهاد ۱۰۰ میلیون گالن نفت گرمایشی را به فقرای منطقه هارلم آمریکا در نیویورک داد. (۴)

در یک سخنرانی سال ۲۰۱۰ در سازمان ملل، احمدی نژاد گفت که واقعه ۱۱ سپتامبر کار خودشان است. در ماه گذشته او صریح تر بود، یعنی استفاده از مواد منفجره بود که علت فروریزی برجهای دوقلو شد. خلاف سخاوت چاوز، آکسان موبیل در سال ۲۰۰۶ مبلغ ۳۹ میلیارد دلار سود خالص را گزارش داد - رکوردی عظیم برای هر شرکتی در تاریخ جهان - شورو و شل هم نتایج مشابهی را گزارش دادند. ولی هیچ کدام نفت گرمایشی به هارلم ندادند.

در ماه جنوری ۲۰۰۷، پرزیدنت بوش ۶۲۴ میلیارد دلار بودجه دفاعی را به کنگره آمریکا تسلیم کرد. در سال ۲۰۰۵ بانک HSBC با بانک سعودی/بریتانیایی شریک شد. (۵) در فیروری ۲۰۰۷، گولدمن ساکس با بانک تجاری ملی سلیمان اولیان (Solaiman Olayans National Commercial Bank) شریک شد - بزرگترین بانک در عربستان سعودی. فقط یک ماه قبل از آن، مورگان استانی سرمایه گذاری مشترکی را با کاپیتال گروپ (Capital Group) اعلام کرد - یک بانک سرمایه گذاری عمده عربستان سعودی. دویی می رفت که به یک مرکز مالی بین المللی تبدیل شود.

در حالی که هر دو طبقه متوسط ایالات متحده آمریکا و مردم عراق که فقط به یک نخ آویزانند، این هشت خاندان عظیم بانکی به تحکیم قدرت هر چه بیشتر خود بر منطقه خلیج فارس و جهان ادامه دادند.

[1] "Over a Barrel: Who Will Control Iraq?" John Judis. The New Republic. 1-20-03

[2] "Breaking the Silence: Bilderberg Exposed". Daniel Estulin. **Nexus**. September-October 2005. p.13

[3] **Nexus**. May-June, 2006. p.6

[4] "Venezuelan President Gives Harlem Heating Oil". Maggie Farley. Los Angeles Times. 9-21-06

[5] "Goldman Gains Saudi Foothold with NCB Deal". Peter Thal Larsen. Financial Times. London. 2-5-07